



ماهنامه علمی - اطلاع رسانی

دانش مستعد

سال دوم، شماره ۱۵، آذر ۱۳۹۸



سخن آغازین

۴..... راه نجات از نفاق

سلامت در قرآن

دنیای پیش از تولد و اعجاز آیات وحی از ناشناخته‌های آن
 ۵..... نوشتار سوم: از تکامل استخوان (عظام) تا دمیدن روح
 محسن اسلامی فارسانی، شیما آب‌آب‌زاده

سلامت در احادیث

۹..... شیخ طوسی و تهذیب و استبصار
 هادی حجت

فقه سلامت

۱۲..... احکام فقهی انواع الکل: بخش نخست
 محمد مهری لبقوان

اخلاق سلامت

۱۴..... افشای راز، تخریب اعتماد
 محسن رضایی آدریانی

۱۵..... تحلیل اخلاقی - حقوقی مورد
 احمد مشکوری

فلسفه سلامت

۱۶..... علیت در پزشکی ۳
 صادق یوسفی

معرفی کتاب

۱۷..... نقد و بررسی مکاتب اخلاقی

زال سلامت

۱۸..... دریا و سراب

السلامة

دانش سلامت

شماره پروانه انتشار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۸۱۹۷۰
 سال دوم، شماره ۱۵، آذر ۱۳۹۸

مسئولیت محتوای مطالب نشریه بر عهده نویسندگان است.
 نشریه در پذیرش و ویرایش مطالب، آزاد است.
 نقل مطالب با ذکر منبع و حفظ حقوق مادی و معنوی نویسندگان مجاز است.

صاحب امتیاز: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی قم
 مدیر مسئول: دکتر ابوالفضل ایرانی خواه
 سردبیر: دکتر اکرم حیدری
 امور اجرایی: محمد سالم
 ویراستار: حورا خمسه
 طراحی و صفحه آرایی: فاطمه سادات حسینی

ماهنامه «دانش سلامت و دین»، ضمن استقبال از نقدها و پیشنهادهای شما، آمادگی دارد مطالب ارسالی را منتشر نماید.

hrj@muq.ac.ir

۰۲۵۳۲۴۰۰۵۴۶





راهنمای نویسندگان

۲. در قسمت نویسندگان، افزون بر نوشتن نام و نام خانوادگی و وابستگی سازمانی همه نویسندگان، شماره تماس و رایانامه نویسنده مسئول نوشته شود. مسئولیت نوشتن نام نویسندگان و رضایت ایشان در نشر مقاله، در نشریه دانش سلامت و دین، با نویسنده مسئول خواهد بود.

همچنین توصیه می‌شود در هنگام ارسال مقاله، مشخص شود وابسته به کدام یک از موضوعات نشریه است.

۳. مقالات خود را در قالب فایل Word و با رعایت قواعد نگارش علمی تهیه و ارسال فرمایید.

۴. منابع مورد استفاده با نوشتن نام خانوادگی نویسنده/ نویسندگان و سال انتشار در داخل کمان به صورت درون‌متنی آورده شود و فهرست منابع در پایان مقاله به صورت الفبایی و به ترتیب منابع فارسی و منابع انگلیسی یاد شود و چنانچه قرآن کریم جزو منابع مقاله بود، به‌عنوان نخستین منبع در بخش منابع نوشته شود.

۵. مقالات دریافتی توسط سردبیر و هیئت تحریریه نشریه بررسی شده و نتیجه بررسی به نویسنده مسئول اعلام خواهد شد.

۶. انتشار تمام یا بخشی از مقالات مرتبط که در دیگر مجلات داخلی یا خارجی به چاپ رسیده باشد، با رعایت شرایط اخلاقی و حقوقی، بلامانع است.



نشریه دانش سلامت و دین، ماهنامه علمی- اطلاع‌رسانی است که با هدف گسترش مباحث مشترک حوزه سلامت با مباحث دینی، به صورت الکترونیکی منتشر و در میان اعضای جامعه علوم پزشکی کشور، پخش می‌شود. این نشریه آمادگی دارد مطالب ارسالی پژوهشگران، صاحب‌نظران و علاقه‌مندان به مطالعات را در زمینه یادشده بررسی و در صورت برابری با معیارهای موردنظر، اعم از معیارهای شکلی و محتوایی، منتشر نماید.

همچنان که خوانندگان ارجمند نشریه آگاهی دارند، قالب محتوای نشریه مبتنی بر موضوعات مشترک سلامت و دین، همانند سلامت در قرآن، سلامت در احادیث، فقه سلامت، اخلاق سلامت و فلسفه سلامت است که از مقالات ارسالی در هر یک از موضوعات فوق، استقبال می‌گردد. افزون بر این، مقالات مرتبط با عنوان نشریه که خارج از موضوعات اشاره شده باشند؛ همانند سبک زندگی سالم و تمدن نوین اسلامی نیز، مورد بررسی قرار خواهند گرفت؛ از این‌روی خواهشمند است دست‌نوشته‌های خود را با رعایت موارد زیر به رایانامه hrj@muq.ac.ir ارسال فرمایید.

۱. مقاله دربرگیرنده عنوان، نویسنده/ نویسندگان، متن، منابع و چند جمله مهم برگزیده از متن باشد که پیشنهاد می‌شود حداکثر در سه صفحه تنظیم‌شده باشد. مقالات طولانی‌تر، چنانچه قابلیت انتشار در دو یا چند شماره پیاپی را داشته باشند، مورد بررسی قرار خواهند گرفت؛ همچنین توصیه می‌شود در هنگام ارسال مقاله، مشخص شود وابسته به کدام یک از موضوعات نشریه است.





از نکته‌های ارزشمند توجه به وجود مقدس پیامبر ﷺ این است که ایشان بشری بوده که متوجه ذات احدی شده است. بشر در موطن بشری‌اش گرفتار کثرت‌ها است و لازمه توجه به ذات احدی آسوده شدن از کثرت‌ها و فانی شدن در وحدت است و جمع این دو حالت متضاد، بسیار مهم است؛ به طوری که اگر نمونه عینی آن را نمی‌شناختیم، می‌گفتیم غیرممکن است. پس پیامبر ﷺ یعنی انسان خاکی که به واسطه نظر به ذات احدی، افلاکی شده است.

جنس عالم ماده حرکت و تضاد است و از این رو شتاب و پریشانی لازمه نظام مادی است و بر این اساس، از نشانه‌های احدی شدن آن وجود مقدس، این که نفس ایشان از «آرامش و صدق»، «کرم و شرف» و «قدرت و قناعت» به گونه کامل برخوردار است. این صفات نشان می‌دهد قلب آن حضرت در دنیا پراکنده نیست و در عین زندگی در عالم کثرت‌ها، از کثرت آزاد است و با صداقت در علم و عمل از همه ناهماهنگی‌ها با عالم کثرات نجات یافته و آن چنان در این صفات پایدار شده که هیچ حادثه‌ای او را از آن فضائل خارج نمی‌کند و این نشان می‌دهد که به مرکز اصلی یگانگی، یعنی ذات احدی متصل است؛ چنانچه اگر این صفات در رفتار او ساختگی بود، حادثه‌ها او را از جا به درمی‌برد و برای یک مرتبه هم که شده چیزی خلاف آن صفات از او سر می‌زد. بدین رو به ما نیز فرمان داده‌اند که از راه صلوات بر پیامبر و آل او روح

خود را از نفاق یا دوگانگی میان ادعا و باور آزاد کنید. قال رسول الله ﷺ: «ارفعوا اصواتکم بالصلاه علی فانها تذهب بالنفاق» (الکافی، ج ۲، ص ۴۹۳)

رسول خدا ﷺ فرمود: صداهای خود را به صلوات بر من بلند کنید؛ زیرا که نفاق را برطرف می‌سازد. می‌فرماید با صدای بلند صلوات بفرستید تا جهت‌گیری شخصیت اجتماعی شما، به سوی آن حضرت سیر کند و در درون و بیرون وجودتان، ارادت به آن حضرت نهادینه گردد و بین عقیده و عمل شما تضادی نباشد و به عبارت دیگر، نقص دین‌داری شما برطرف شود.

زراره از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که پرداخت زکات فطره، متمم روزه است؛ مانند صلوات بر پیامبر ﷺ که سبب تمامیت نماز است (جامع احادیث شیعه، ج ۵، ص ۳۳۵).

پس هنگامی که نقص نماز با صلوات بر پیامبر و آل او علیهم السلام مرتفع می‌شود، نفس صلوات و توجه به مقام دین‌داری مجسم، یعنی توجه به پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام موجب از میان رفتن نفاق می‌گردد و می‌فرمایند صلوات را بلند بجای آورید تا شخصیت اجتماعی شما به عنوان انسانی که وفادار به خاندان عصمت و طهارت است تثبیت گردد.

منبع: طاهرزاده، اصغر. صلوات بر پیامبر صلوات عامل قدسی شدن روح



دنیای پیش از تولد و اعجاز آیات وحی از ناشناخته‌های آن نوشتار سوم: از تکامل استخوان (عظام) تا دمیدن روح

محسن اسلامی فارسانی^۱، شیما آب آب زاده

استادیار گروه علوم تشریح، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران

Ahoramh.82@gmail.com

در دو مقاله‌ای که با عنوان «دنیای پیش از تولد» و «اعجاز آیات وحی از ناشناخته‌های آن» در سیزدهمین و چهاردهمین شماره همین نشریه چاپ شد، به بررسی آیات قرآن در ارتباط با مراحل تشکیل جنین در رحم مادر از مرحله قرارگیری نطفه تا تشکیل مضغه (گوشت جویده شده) پرداختیم و با گواهمندی به آیه پنجم سوره حج و آیات ۱۴-۱۲ سوره مؤمنون و دیگر آیات که به این موضوع اشاراتی داشتند، گفته شد که از این آیات، هفت مرحله کلی از شیوه آفرینش انسان از جنین قابل برداشت است که عبارت‌اند از: آفرینش از آب‌وخاک (گل)، نطفه، علقه (خون بسته)، مضغه (مانند گوشت جویده شده)، عظام (استخوان)، لحم (عضله) و آفرینشی تازه. در نوشتار نخست چگونگی منشأ خلقت از عصاره گل و قرارگیری نطفه ترکیب شده در رحم و تشکیل سلول تخم، بحث شد و در نوشتار دوم اشاره شد که مرحله علقه که خون بسته و یا زالو مانند و یا چیز آویزان تفسیر شده از دید جنین‌شناسی همانا به هفته دوم و سوم اطلاق می‌شود که برابر با آغاز تشکیل جفت و آویزان شدن در حفره کوریونی توسط بند ناف ابتدایی، تشکیل سلول‌ها و عروق خونی در بدن جنین و پیرامون آن است. مرحله مضغه به نظر می‌رسد که مرحله تشکیل مزانشیم و تبدیل این سلول‌ها به ساختارهای دندان‌های شکل منظمی به نام سومیت در بخش پشتی بدن جنین است و کم‌وبیش از اواخر هفته سوم آغاز می‌شود و تا هفته ششم ادامه دارد. در آیات بالا مراحل دیگر عظام و یا تشکیل استخوان و سپس پوشاندن شدن با گوشت و در پایان، آفریده‌ای دیگر عنوان شده که در این مقاله به بررسی این سه مرحله و مقایسه با یافته‌های علم جنین‌شناسی جهت فهم بهتر ژرفای نهفته در این آیات آسمانی می‌پردازیم، باشد که راه گشایمان بوده و در پناه حضرت حق، جرعه‌ای هرچند اندک از معرفت ذات باری تعالی نصیبمان گردد.

تشکیل عظام و لحم

قرآن کریم درباره این دو مرحله از خلقت جنینی انسان می‌فرماید: ﴿فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا﴾ آنگاه مضغه را استخوان‌هایی کردیم، آنگاه استخوان‌ها را با گوشتی پوشاندیم (۱). برای هر دو مرحله از حرف «ف» پیش از عظام ﴿فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا﴾ و لحم ﴿فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا﴾ استفاده شده که به معنی گذر سریع و بدون فاصله برای این دو مرحله است. مرحله پنجم تکامل جنین، پیدایش استخوان است و قرآن

پس از بیان مرحله مضغه (گوشت جویده) به آن اشاره کرده است. در این مرحله که از اواخر هفته ششم بارداری آغاز می‌شود، مضغه به عظام تبدیل می‌شود و با پیدایش استخوان‌ها، جنین کم‌کم شکل انسانی به خود می‌گیرد. عظام (جمع عظم) به معنای استخوان است. در این مرحله، جنین که به حالت مضغه و گوشت جویده شده درآمده بود، توده‌های سلولی تشکیل‌دهنده سومیت‌ها و بافت‌های مزانشیمی، به سلول‌های استخوانی متمایز می‌شوند. خداوند متعال به این مرحله این گونه اشاره می‌کند: ﴿فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا﴾ به‌راستی گوشتی (عضله) که بعدها استخوان‌ها را می‌پوشاند و بخش عظیمی از جثه انسانی را تشکیل می‌دهد، جدا از گوشتی (مزانشیم) است که پیش از پیدایش استخوان وجود داشته است و این خود نیز از شگفتی‌های این کتاب آسمانی است که پرده از این حقیقت برمی‌دارد.

پژوهش‌های جنین‌شناسی نشان داده است که مرحله استخوانی در انتهای هفته ششم و اوایل هفته هفتم با پیدایش مراکز استخوان‌سازی کوچک شروع می‌شود. سومیت‌ها و قوس‌های حلقی که در مرحله تکاملی پدیدار می‌شوند، نقش بسیار مهمی در تشکیل استخوان‌ها دارند؛ به‌این‌ترتیب که در ناحیه گردن و پشت، سومیت‌ها که توده‌های سلولی متمرکز مزانشیمی هستند و نمای گوشت جویده مرحله مضغه را ایجاد می‌کردند، پراکنده شده و به سه دسته تقسیم می‌شوند. دسته داخلی‌تر که اسکروتوم نام دارد استخوان مهره‌ها و دنده‌ها و غضروف‌های آن‌ها را ساخته و بی‌درنگ دسته دیگر از سلول‌های سومیت به وسط آمده و میوتوم را می‌سازد و عضلات را شکل می‌دهد تا در نزدیک استخوان میان دو مهره اتصال یافته و بتواند ضمن پوشیدن آن‌ها بر روی هر دو مهره، کارکرد حرکتی داشته باشند و لایه سوم سلول‌های سومیت که در خارج قرار دارند، بافت همبند زیرپوست را ایجاد می‌کنند که باز نقش پوشش برای عضلات دارد. در اندام‌ها نیز، نخست سلول‌های مزانشیمی به شکل محور متراکم سلولی در وسط، با ایجاد کانون‌های استخوانی اولیه به استخوان و غضروف تبدیل شده و بی‌درنگ سلول‌های نزدیک آن نیز در تشکیل عضلات شرکت کرده تا ضمن اتصال به استخوان، بتوانند بر روی مفاصل کارکرد داشته باشند (۲).



آنچه در آیه چهاردهم سوره مؤمنون آمده، نشان‌دهنده این واقعیت علمی است که مرحله تشکیل گوشت (لحم) قطعاً پس از ساخت استخوان آغاز می‌شود و هیچ تأخیری در ساخت عضلات وجود ندارد. آیه شریفه فوق، در واقع معجزه‌ای علمی است که پرده از روی این مسئله که در آن روز برای هیچ‌کس روشن نبود، برمی‌دارد؛ زیرا قرآن نمی‌گوید که ما مضغه را تبدیل به استخوان و گوشت کردیم؛ بلکه می‌گوید: ما مضغه را تبدیل به استخوان کردیم و بر استخوان‌ها لباس گوشت پوشاندیم. این مطلب اشاره به این دارد که مضغه نخست تبدیل به استخوان می‌شود و بعد از آن گوشت (عضلات) روی استخوان‌های در حال تشکیل را می‌پوشاند. عضلات در بدن انسان سه دسته هستند: عضلات صاف که جدار احشاء (معدة، روده‌ها، رحم، مثانه...) و عروق را می‌پوشانند، عضله قلبی (جدار قلب) که هر دو غیرارادی هستند و عضلات اسکلتی (پوشاننده استخوان و مفاصل) که ارادی‌اند.

خداوند می‌فرماید: ﴿فَكَسُونَا الْعِظَامَ لَحْمًا﴾ در آیه کسونا به کار برده شده است که تنها برای پوشیدن لباس به کار می‌رود؛ ولی خداوند این واژه را برای گوشتی که ما را می‌پوشاند، استفاده کرده است. از یک دیدگاه، شاید وجه آن نقش حفاظتی بافت‌های گوشتی بدن باشد که همچون لایه محافظی، استخوان‌ها را از صدمات و ضربات وارده شده به بدن که منجر به شکسته شدن آن‌ها می‌شود، درامان می‌دارد. همچنین همانند لباس، بدن را از گرما و سرما حفظ می‌کند (۳).

از دیدگاهی دیگر می‌توان گفت: با توجه به اشاره آیه به پوشاننده شدن استخوان توسط عضله، منظور از گوشت و عضلات ساخته شده همان عضلات اسکلتی و ارادی‌اند که استخوان‌ها را پوشانده‌اند و نظر بر تفکیک این عضلات از سایر ماهیچه‌ها است که بازگوکننده یک واقعیت علمی دیگر است؛ زیرا عضلات وابسته به قلب و عضلات صاف، حدوداً هفته چهارم رشد ساخته شده‌اند؛ به‌عنوان مثال: عضلات قلب که با انقباض می‌توانند خون را از بطن‌های قلب خارج کنند، پیش از آغاز ضربان قلب ساخته می‌شوند. این خود یکی دیگر از اعجازهای قرآن کریم را می‌رساند؛ زیرا در زمانی که ابزار ویژه‌ای برای بررسی علمی جنین وجود نداشته و حتی درباره شکل‌گیری کل جنین هم اطلاعی در دست نیست و پایه‌های نخستین این علم و حتی علوم بیولوژیک و پزشکی شکل نگرفته و تفکر جاهلیت پایدار است، چگونه ممکن است رسول مکرم اسلام ﷺ در صورتی که به گنجینه وحی الهی متصل نباشد، چنان تیزبینانه میان تشکیل استخوان، عضله و حتی نوع عضله تفکیک قائل شده، تقدم و تأخر آن را

بیان کند.

خلق آخر یا دمیدن روح در کالبد جنین

با توجه به آیه چهاردهم سوره مؤمنون که می‌فرماید: ﴿ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾ پس او را آفرینش تازه‌ای بخشیده و پدیده دیگری خواهیم کرد (۱)، می‌توان واپسین مرحله تکاملی جنین را تحت عنوان «خلق آخر» نام‌گذاری کرد. به نظر می‌رسد این چرخه از زندگی داخل رحمی جنین از ماه سوم به بعد آغاز می‌شود و تا انتهای دوران بارداری ادامه می‌یابد. در این چرخه سازمان نوینی ساخته نمی‌شود. در جنین‌شناسی به آن، دوره جنینی (Fatal period) می‌گویند (۲). شیخ طبرسی باورمند است که منظور از «خَلْقًا آخَرَ» آفرینش دیگری است که با خلق مراحل پیش متفاوت است (۴).

شاید تفاوت آن در این است که در این دوره عضو جدیدی ساخته نمی‌شود و تنها بافت‌ها و اندام‌هایی که در مراحل پیش ساخته شده بودند، بالغ می‌شوند؛ البته علامه طباطبایی می‌گوید: تفاوتی که میان این مرحله و مراحل دیگر وجود دارد، مربوط به دمیدن روح در جنین است که این امر در مرحله پایانی چرخه تکاملی رخ می‌دهد (۵).

بی‌شک در مرحله‌ای از روند تکامل انسان، میان روح و جسم پیوندی مبارک برقرار می‌شود که قرآن کریم از آن به نفخ (دمیدن) روح، در بدن یاد کرده است. از موارد کاربرد واژه روح در قرآن به دست می‌آید که قرآن کریم، این واژه را بر زندگی نباتی اطلاق نکرده است و در این‌گونه موارد از واژه حیات استفاده کرده است (سوره حدید، آیه ۱۷؛ سوره ق، آیه ۱۱). پس اگرچه جنین از نخستین مراحل تکوین که نطفه‌ای بیش نیست، دارای حیات نباتی و آثار آن، یعنی رشد و تغذیه است؛ ولی تنها پس از تمامیت آفرینش جسمانی، صاحب روح می‌گردد. روایتی مشهور به نقل عبدالله بن مسعود از پیامبر اکرم ﷺ در منابع اهل سنت وجود دارد که در آن زمان نفخ روح، چهارماهگی معرفی شده است؛ هرچند این روایت در منابع روایی شیعه دیده نمی‌شود، ولی برخی از مفسران به آن اشاره کرده‌اند (۶).

در حدیثی از امام صادق (ع) که می‌فرماید: «إِذَا بَلَغَ الْوَلَدُ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ فَقَدْ صَارَ فِيهِ الْحَيَوَةُ» وجود آثار حیات در جنین از چهارماهگی است. باوجوداینکه نطفه و جنین موجود زنده و دارای حیات است، شاید منظور ایشان از حیات جنین از چهارماهگی، شروع هماهنگی و همکاری میان اعضا است که هم‌زمان از چهارماهگی آغاز می‌شود (۷). علم جنین‌شناسی تفکیک مشخصی بین مرحله حیات با مرحله پیش از آن را دارا نیست.

عموماً برجسته‌ترین اتفاقی که پس از سه ماهگی برای جنین پیش



می‌آید، حرکت و فعالیت قلب و رشد سریع جنین و شکل‌گیری اندام‌های خارجی است. در ماه سوم و آغاز ماه چهارم به دلیل عصب دار شدن اندام‌ها، حرکت جنین آغاز می‌شود و زن باردار در ماه پنجم، حرکت جنین را بی‌کم‌وکاست احساس می‌کند، ضربان قلب جنین اگرچه در هفته چهارم آغاز می‌شود، ولی کمابیش از آغاز ماه چهارم کاملاً شنیده می‌شود و همچنین از نزدیک ماه پنجم عمل بلع مایع آمنیون و دفع آن از کلیه‌ها و مجاری ادراری انجام می‌شود؛ یعنی اینکه دستگاه گوارش، تنفس و ادراری با دستگاه عصبی نخستین مراحل هماهنگی را آغاز می‌کنند (۲).

بنابراین اگر بخواهیم از دید جنین‌شناسی زمانی را در نظر بگیریم که جنین در آن مرحله دارای اعضاء کامل بوده و هر عضو هماهنگ با اعضاء دیگر کار خود را انجام دهد و تا حدودی توسط مادر حس شود، تقریباً اواخر ماه چهارم و در ماه پنجم است؛ که قرآن پس از بیان مراحل آفرینش جنین، به این مرحله نیز اشاره نموده است: ﴿ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ﴾ مادر آگاه‌ترین فرد نسبت به این مرحله است که با نخستین حرکت جنین، احساس می‌کند که روح دیگری در اعماق وجود شکل می‌گیرد؛ همچنین پژوهش‌ها نشان داده که جنین در اواخر دوران بارداری قادر به شنیدن است و نخست، صدای ضربان قلب مادر را می‌شنود و حتی نسبت به حالات گوناگون روحی مادر، از خود واکنش نشان می‌دهد و سخن گفتن با جنین، صوت قرآن، موسیقی آرام، آموزش گویش و یا زبانی ویژه از مواردی هستند که به نظر می‌رسد برای جنین قابل‌درک بوده و تا اندازه‌ای در افزایش گنجایش ذهنی نوزاد متولدشده کارآمد است (۱۲-۸).

به نظر می‌رسد که آیه بالا تنها به تفاوت این مرحله از مراحل پیشین، به واسطه عدم شکل‌گیری عضو تازه اشاره نداشته و برابر آنچه مفسران بزرگ قرآن بیان کرده‌اند، مراد از خلق دیگر، یک دگرگونی بسیار ویژه است؛ زیرا جنین انسان مانند حیوانات، هماهنگ با روند رشد خود، دارای روح نباتی و سپس روح حیوانی است. ویژگی روح نباتی، رشد سلولی است و ویژگی روح حیوانی، قدرت حرکت است و در هنگام مراحل رشد، آفرینش او کامل می‌شود؛ بنابراین باید منظور قرآن از دمیدن روح الهی در انسان، بیان حقیقت دیگری غیر از روح نباتی و حیوانی باشد؛ زیرا در این دو روح، همه حیوانات با یکدیگر نقطه اشتراک دارند، بلکه افزون بر حیات مادی انسانی که بازده روح حیوانی است، به او روح دیگری می‌دهد که او را سرآمد سایر موجودات می‌کند (۱۳). از این روی در آیات مورد بحث، هنگامی که سخن از آخرین

مرحله آفرینش به میان می‌آید، لحن آیه قرآن عوض می‌شود و می‌فرماید: ﴿ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ﴾ که نخست برای برتری بر آفرینش پیشین، کلمه «ثُمَّ» را به کار می‌برد که نشان‌دهنده برتری ویژه است؛ یعنی فاصله زمانی یا تفاوت نوع خلقت با قبلی در آن روشن‌تر است و دوم اینکه از واژه انشاء استفاده می‌کند که بیشتر به خلقت دفعی و بدون ابزار دلالت دارد (۱۴) و با آفرینش غیرمادی پسندیده‌تر است، نه خلقت تدریجی و سوم اینکه برای واژه‌ی خلق، صفت آخر را می‌آورد که با آن می‌خواهد این خلقت را از خلقت‌های قبلی جدا کند؛ یعنی خلقت‌های قبلی به‌نوعی با یکدیگر مشترک بودند، ولی این خلقت ویژگی دیگری دارد که با مراحل قبلی خلقت در آیه متفاوت است؛ بنابراین بعد از پایان این مرحله است که خداوند خلقت خویش را می‌ستاید و خود را احسن‌الخالقین می‌نامد. شاید رمز اینکه خلقت انسان برای ملائکه شگفت‌انگیز بود در همین نکته نهفته باشد؛ از این روی هنگامی که این خلقت به پایان رسید، ملائکه در برابر آن به سجده افتادند. قرآن می‌فرماید: ﴿فَإِذَا سُوِّبَهُ وَ نَفَخَتْ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَفَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ﴾ (حجر: ۲۹)؛ هنگامی که او را به اندام برآوردم و در او از روح خویش دمیدم، پس به پیش او به سجده افتید. و شیطان چون از درک این معرفت درمانده بود و یا از روی تکبر نخواست این حقیقت را بفهمد از سجده کردن خودداری کرد؛ بنابراین عاملی که از گل‌بی‌ارزش موجودی می‌سازد که ملائکه در برابرش سجده کنند، بعد سلولی او نیست، بلکه بعد انسانی است. این بعد را خداوند هنگامی به انسان می‌بخشد که در شکم مادر قرار گرفته و آن زمانی است که ملک‌ی را به‌سوی او می‌فرستد تا روح را در او بدمد.

نتیجه‌گیری

قرآن کریم مراحل خلقت جنین را نطفه، علقه، مضغه، عظام، لحم و نفخ روح بیان کرده و واپسین مرحله را پس از پایان یافتن خلقت جسمانی جنین و به گزارش دقیق‌تر پس از توازن و هماهنگی جسم (تسویه) دانسته است.

در طول ماه پنجم، مادر حرکات جنین را که نشان از دمیده شدن روح در اوست، به‌خوبی حس می‌کند. دانش جنین‌شناسی به‌روشنی تأییدی بر آموزه‌های ارزشمند قرآنی است؛ حتی شنیده شدن برخی از صداها پس از پایان ماه ششم و حساسیت چشم‌ها به نور پس از پایان ماه هفتم، ما را به ظرافت‌های نهفته در این آیه که نفخ روح را پس از تسویه و توازن اندام و قدرت بر شنیدن و سپس دیدن را پس از نفخ روح بیان کرده است، نزدیک‌تر می‌کند: ﴿ثُمَّ سَوَّاهُ وَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْبَصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ



قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ﴾ (سجده: ۹)

برجسته‌ترین اثر طبیعی نفخ روح در جنین، حرکت ارادی جنین در رحم است که پس از پایان چهارماهگی بیشتر برای مادران قابل‌درک است؛ بنابراین همان‌طور که ملاحظه شد، قرآن در مقام بیان جایگاه رفیع انسانی، به زیبایی تمام، از بیان نشان‌هایی در خلقت ظاهری انسان غفلت نورزیده است تا انسان بتواند مسیر هدایت خویش را از پیچیدگی‌های خلقت ظاهری عبور دهد. خداوند افزون بر بعد مادی به بعد معنوی نیز توجه ویژه دارد و قرآن بیان می‌کند که خداوند پس از تکمیل خلقت مادی، خلقت دیگری را که دمیدن روح الهی است، در انسان ایجاد می‌کند؛ بدین‌سان خلقت انسان با دو بعد مادی و معنوی کامل می‌شود و انسان شایستگی تکلیف الهی را پیدا می‌کند و تنها پس از آن است که خداوند متعال خود را بهترین آفرینندگان معرفی می‌کند. امید که ما با درک بهتر و دقیق‌تر از ابعاد وجودی خود، به‌ویژه روح والای انسانی که بخشی از روح قدسی خالق بی‌همتا است و فرشتگان مقرب در گاه ایزد متعال در برابرش سجده کرده و آنکه سجده نکرد رانده‌شده در گاه گردید، با بهره‌گیری از این آیات کتاب آسمانی ارزش وجودی خود را بهتر بشناسیم و در زنجیره اتصال به روح قدسی، مسیر هدایت مشخص‌شده را طی کنیم و به لطف بی‌کران خودش از این دایره خارج نشویم و همواره شکرگزار نعماتش باشیم. آمین یا رب العالمین.

منابع:

۱. قرآن مجید، (۱۳۸۹ ش). خط عثمان طه، ترجمه ابوالفضل بهرام پور، تهران: انتشارات اسوه، چاپ اول.
۲. مرتضی کروجی، ملیحه نوبخت، شیما آب آب زاده، محسن اسلامی. (۱۳۹۸) جنین‌شناسی پزشکی لانگمن، آرتین طب، چاپ اول، ص ۵۰۲.
۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ ش). تفسیر نمونه، چ اول، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۴. شیخ طبرسی، مجمع‌البیان «ترجمه» جلد ۱۷ صفحه ۳۶.

۵. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیرالقرآن، چ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۶. بخاری، ۱۳۷۸ ج ۷۸/۴؛ القشیری، ۱۳۳۴ ج ۴۴/۸؛ احمد ابن حنبل، ۱۴۱۴ ج ۳۸۲/۱؛ متقی، ۱۱۲/۱ ج ۱۹۹۷، ه.
۷. پاک‌نژاد، رضا (۱۳۶۳ ش). اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، چ اول، تهران: یاسر.

8. Nosrati A, Mirzakhani K, Golmakani N, Esmacili H, Asghari Nekah SM. The Effect of Expectant Fathers' Training on Paternal-fetal Attachment. Journal of Midwifery and Reproductive Health. 2019; 7(2): 1594-1601. DOI: 10.22038/jmrh.2019.19194.1199.

9. Nayef, E. G. & Wahab, M. N. A. (2018). The Effect of Recitation Quran on the Human Emotions. International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences, 8(2), 50-70.

10. Suciati, S. (2015). THE IMPACT OF PRENATAL EDUCATION THROUGH STIMULATING QURAN'S RECITATION ON CHILD'S GROWTH. QIJIS (Qudus International Journal of Islamic Studies), 3(2), 129-147.

11. Jabbari, B. Mirghafourvand, M. Sehhatic, F. & Mohammad-Alizadeh-Charandabi, S. (2017). The effect of holly Quran voice with and without translation on stress, anxiety and depression during pregnancy: a randomized controlled trial. Journal of religion and health, 1-11.

12. Bahri, S. (2015). The Effect of Preconception and Prenatal Education on Muslim Family in Bandar Lampung. IOSR Journal of Research & Method in Education (IOSR-JRME), 5(3).

۱۳. ابراهیمی، مهدی، (۱۳۸۴)، نسیم وحی در مثنوی عشق، قم: انجمن معارف اسلامی ایران.

۱۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ق) لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دار صادر.

قرآن نمی‌گوید که ما مضغه را تبدیل به استخوان و گوشت کردیم؛ بلکه می‌گوید: ما مضغه را تبدیل به استخوان کردیم و بر استخوان‌ها لباس گوشت پوشاندیم.



شیخ طوسی و تهذیب و استبصار

دکتر هادی حجت

دانشگاه قرآن و حدیث

hojjat.h@qhu.ac.ir

در شماره‌های پیشین، به شناسایی کتب شریف «الکافی» و «من لایحضره الفقیه» و نویسندگان آن‌ها، مرحوم کلینی و شیخ صدوق پرداختیم. دو کتاب دیگر از کتب چهارگانه شیعه، تهذیب و استبصار هستند که در این شماره با آن‌ها و نویسنده بزرگوار این دو اثر، مرحوم شیخ طوسی آشنا می‌شویم.

شیخ طوسی

ابوجعفر محمدبن حسن طوسی، معروف به «شیخ طوسی» و «شیخ الطائفه» در رمضان سال ۲۸۵ هجری قمری، به احتمال زیاد، در منطقه طوس خراسان به دنیا آمد. از اینکه شیخ طوسی دوران نخستین تحصیل خود را در کجا و نزد چه کسانی سپری کرده است، دانستنی‌های چندانی در دست نیست، ولی به احتمال فراوان، وی دوران جوانی خود را در طوس گذرانده و علوم گوناگونی همچون لغت، ادبیات، فقه، اصول، حدیث و علم کلام را در همان شهر فرا گرفته است.

وی به سال ۴۰۸ در بیست‌وسه سالگی رهسپار بغداد شد. بغداد در زمان شیخ طوسی، گذشته از اینکه شهری با عظمت بود و مرکز خلافت بنی‌عباس شمرده می‌شد، از دید علمی نیز در اوج شهرت و گردگاه دانشمندان همه مذهب‌های اسلامی بود. دانشمندان مذهب‌های چهارگانه اهل سنت در کنار دانشمندان بزرگ شیعه امامی و زیدی، در موضوعات گوناگون علمی به‌ویژه مباحث کلامی، آزادانه به بحث، بررسی، مذاکره و مناظره می‌پرداختند.

شیخ طوسی با ورود به بغداد، به مجلس درس شیخ مفید پیوست و پنج سال، یعنی تا پایان زندگی شیخ مفید (۴۱۳ ق) از محضرش بهره‌مند شد. پس از رحلت شیخ مفید، سرپرستی علمی و دینی شیعه به بزرگ‌ترین شاگرد او یعنی سیدمرتضی رسید. شیخ طوسی بیست‌وسه سال از درس سیدمرتضی، به‌ویژه در زمینه‌های کلام، فقه و اصول، سود برد و سرآمد شاگردان او

شد. پس از درگذشت سیدمرتضی (۴۳۶ ق) سرپرستی علمی و دینی جامعه شیعه، به شیخ طوسی رسید.

بیشتر تألیفات شیخ در بغداد انجام شده است. وی در این شهر، از کتابخانه‌های بزرگی همچون کتابخانه شاپوربن اردشیر (وزیر آل بویه) با ده هزار جلد کتاب و کتابخانه استادش سیدمرتضی که دربردارنده هشتاد هزار جلد کتاب بود، بهره برده است.

پس از تضعیف و سقوط حکومت آل بویه و قدرت یافتن ترکان سلجوقی که خانه و کتابخانه او در آتش کینه فتنه‌جویان سوخت، در سال ۴۴۸ از بغداد خارج شد و به نجف اشرف رفت و در آن شهر، حوزه علمیه‌ای تأسیس کرد که بزرگ‌ترین حوزه علمیه در میان شیعیان شد. وی تا پایان زندگی در همین شهر به تدریس و تألیف پرداخت.

سرانجام شیخ الطائفه در سال ۴۶۰ در ۷۵ سالگی به دیدار حق شتافت و در منزل مسکونی خویش در نجف اشرف به خاک سپرده شد.

شیخ الطائفه مردی سخت‌کوش و دارای تألیفات فراوان است. شمار آثار وی، نزدیک به ۴۷ اثر در موضوعات گوناگون است. دو کتاب از کتب چهارگانه شیعه، یعنی تهذیب و الاستبصار از تألیفات اوست. امالی طوسی مجموعه سخنرانی‌های حدیثی اوست که به دست فرزندش جمع‌آوری شده است. کتاب الغیبه نیز از دیگر کتب حدیثی شیخ است که به موضوع غیبت امام زمان علیه السلام پرداخته است. کتاب التبیان در تفسیر قرآن است و در ده جلد به چاپ رسیده است. عده الاصول نیز تحقیقات اصولی شیخ طوسی است. کتاب‌های رجال الطوسی، فهرست و اختیار معرفه الرجال (خلاصه‌ای از رجال کشی) نیز سه اثر رجالی شیخ طوسی هستند.

تهذیب الاحکام

نام کتاب، تهذیب الاحکام است که از آن به‌اختصار، با نام تهذیب یاد می‌شود. تهذیب نخستین کتاب شیخ طوسی است که در آغاز ورود به بغداد و مدتی پیش از درگذشت استادش شیخ مفید





۳. اشتغال بر مجموعه کم و بیش کاملی از روایات به‌ظاهر متعارض: شیخ طوسی برخلاف روش مرحوم کلینی در الکافی و مرحوم صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه، روایات متعارض را حذف نکرد؛ ولی به طرح و رفع تعارض میان آن‌ها پرداخت. این نوآوری شیخ طوسی باعث شد تا بسیاری از روایاتی که در آن دو کتاب یاد نشده است، به نسل‌های بعدی شیعه انتقال یابد. شاید بتوان این عمل را بارزترین کار شیخ طوسی دانست. شیخ به تصریح خود، در کتاب تهذیب و استبصار، بیش از پنج هزار حدیث مختلف (به‌ظاهر متعارض) را گردآورده است.

۴. نمایاندن شیوه عملی در جمع میان روایات به‌ظاهر متعارض: شیخ طوسی با توجه به اطلاعات دقیق حدیثی، رجالی، فقهی، اصولی و کلامی، توان خود را در جمع بین روایات مختلف نشان داده است.

۵. شیوه گزارش اسناد: شیخ در این کتاب و همچنین استبصار، گاه مانند کتاب کافی تمام سند را آورده، گاه مانند من لایحضره الفقیه، آغاز سند را حذف و برای اتصال از مشیخه سود برده است؛ اگرچه طرق دیگری نیز دارد که در کتاب فهرست خویش ذکر کرده است. ذکر کامل سند در ابواب آغازین تهذیبین (تهذیب و استبصار) بیشتر به چشم می‌خورد.

الاستبصار

نام کامل این اثر، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار است؛ یعنی کتابی که موجب بینش و روشنگری روایات گوناگون (متعارض) می‌گردد و به‌اختصار، به آن استبصار می‌گویند. این کتاب، به راستی، نوعی تلخیص تهذیب‌الاحکام است که تنها به گردآوری روایات فقهی به‌ظاهر متعارض (مختلف) پرداخته است. کتاب استبصار، همچون تهذیب، به ترتیب ابواب فقهی (از کتاب طهارت تا دیات) تنظیم شده است؛ ولی شامل همه ابواب فقهی نیست، بلکه تنها به ابوابی پرداخته که روایات متعارض در آن وارد شده است. استبصار برابر شمارش نویسنده، دربرگیرنده ۵۵۱۱ حدیث است.

یادآوری: همه روایاتی که در استبصار وجود دارد، در تهذیب نیز آمده است؛ از این رو روایات این کتاب، چیزی بیش از روایات تهذیب را در بر ندارد و گویا چون تنها کتاب اختصاصی در روایات متعارض بوده، جزء کتب چهارگانه شمرده شده است.

(م ۴۱۳ ق) تألیف آن را آغاز کرد. این کتاب در واقع، شرحی بر کتاب المَقْنَعَه، رساله فقهی استادش شیخ مفید است. شیخ طوسی پیش از بیست‌وهشت‌سالگی، شرح نویسی بر کتاب المَقْنَعَه را آغاز کرد و تا هنگام رحلت شیخ مفید یعنی سال ۴۱۳ هجری، کتاب طهارت را به پایان رساند و باب اول کتاب الصلاه را نیز شرح کرد. در این هنگام، شیخ مفید به جهان باقی شتافت و شیخ طوسی پس از درگذشت وی، مانده کتابش را به پایان رساند.

شیخ طوسی در مقدمه تهذیب، انگیزه خود را از نگارش آن این گونه بیان می‌کند:

یکی از دوستانم که مراعات حق ایشان بر من واجب است، از من درخواست کرد که احادیث اصحاب را جمع‌آوری و موارد اختلاف، تباین، منافات و تضاد میان آن‌ها را بررسی کنم ... کار اختلاف روایات به آنجا رسیده است که مخالفان به ما سرکوفت می‌زنند و این را از بزرگ‌ترین عیب‌های مذهب ما به شمار می‌آورند و با این دستاویز، می‌خواهند ما را باطل اعلام کنند ...

کتاب تهذیب، اگرچه امروزه بیشتر به‌عنوان یک جامع حدیثی شناخته می‌شود، تنها با هدف جمع‌آوری احادیث تألیف نشده است، ولی از این راه، قصد تحکیم مبانی تشیع و رفع اختلاف احادیث را داشت تا زمینه‌های طعن و خرده مخالفان را از میان ببرد؛ از این رو برخی شیخ طوسی را نخستین پژوهشگری دانسته‌اند که با نقد حدیث و پرداختن به روایات متعارض، به پشتیبانی از تشیع پرداخته است.

ویژگی‌های کتاب تهذیب الاحکام

برخی از ویژگی‌های آن عبارت‌اند از:

۱. موضوع تهذیب: روایات فقهی (اعم از متعارض و غیر متعارض) است که بر پایه ابواب فقهی و برابر با ترتیب کتاب المَقْنَعَه سامان یافته است؛ از این روی از کتاب طهارت آغاز و به کتاب ارث، حدود و دیات ختم می‌شود. بخش پایانی کتاب، مشیخه است که از آن برای پیوستگی اسناد استفاده می‌شود.

۲. این اثر نزدیک به چهارده هزار روایت دارد که بیشترین روایات فقهی را در میان کتب چهارگانه به خود اختصاص داده است (برای نمونه، فروع الکافی ۱۱۰۲۱ روایت دارد، در حالی که تهذیب دارای ۱۳۹۸۸ روایت است).

همه روایاتی که در استبصار وجود دارد، در تهذیب نیز آمده است؛ از این رو روایات این کتاب، چیزی بیش از روایات تهذیب را در بردارد و گویا چون تنها کتاب اختصاصی در روایات متعارض بوده، جزء کتب چهارگانه شمرده شده است.

شیخ طوسی در جمع میان این دو روایت به ظاهر مخالف، به نقل از شیخ صدوق می‌نویسد: «شایسته است مال را به یکی از شیعیان داد تا حج به جای آورد تا بدین صورت، به درون مایه هر دو روایت عمل شده باشد».

منابع:

دانش حدیث، به قلم مدرسان دانشگاه قرآن و حدیث، جمال: ۱۳۹۵، ص ۲۳۲-۲۳۷.

نمونه احادیث مرتبط با سلامت از تهذیب

امام صادق علیه السلام فرمود: در هر جمعه، اندکی از سبیل و ناخن‌های خود را بگیر و اگر هم چیزی وجود نداشته باشد، آن را [بسی] بسای که دیوانگی، جذام و پیسی به تو نمی‌رسد (تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۲۷، ح ۶۲۸).

امام صادق علیه السلام فرمود: حنا کردن بدبویی عرق را از میان می‌برد، بر طراوت و تازگی چهره می‌افزاید، بوی دهان را خوش می‌سازد و فرزند را نکو می‌کند (تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۳۷۶، ح ۱۱۶۱).

نمونه‌ای از جمع میان روایات مختلف از کتاب الاستبصار:

بَابُ مَنْ أَوْصَى بِشَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ تَعَالَى

۱. أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «إِنَّ رَجُلًا أَوْصَى إِلَيَّ بِشَيْءٍ فِي السَّبِيلِ، فَقَالَ: اصْرِفْهُ فِي الْحَجِّ. قَالَ فَقُلْتُ لَهُ: أَوْصَى إِلَيَّ فِي السَّبِيلِ، فَقَالَ: لَا أَعْلَمُ شَيْئًا مِنْ سَبِيلِهِ أَفْضَلَ مِنَ الْحَجِّ».

۲. فَأَمَّا مَا رَوَاهُ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ، قَالَ: «سَأَلْتُ الْعَسْكَرِيَّ عليه السلام بِالْمَدِينَةِ عَنْ رَجُلٍ أَوْصَى بِمَالٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، فَقَالَ سَبِيلُ اللَّهِ شِيعَتُنَا». فَلَا يَنَافِي الْخَبَرَ الْأَوَّلَ لِأَنَّهُ لَا يُمْكِنُ الْجَمْعُ بَيْنَهُمَا عَلَيَّ مَا ذَكَرَهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بَابُوَيْهِ الْقُمِيَّ رَحِمَهُ اللَّهُ لِأَنَّهُ قَالَ: يَنْبَغِي أَنْ يُعْطِيَ الْمَالَ رَجُلًا مِنَ الشَّيْعَةِ لِيُحَجَّ بِهِ فَيَكُونَ قَدْ انصَرَفَ فِي الْوَجْهَيْنِ جَمِيعًا وَ هَذَا وَجْهٌ قَرِيبٌ.

توضیح: موضوع روایات این باب آن است که اگر کسی وصیت کرده باشد که پس از مرگ، بخشی از مالش را در راه خدا هزینه کنند، این مال را باید در چه کاری بکار برد؟ در روایت اول، امام صادق علیه السلام فرمودند: مال خود را در راه حج هزینه کن، ولی در روایت دوم امام عسکری علیه السلام فرمودند: چنین مالی به شیعیان پرداخت شود.



احکام فقهی انواع الکل بخش نخست

محمد مهری لیقوان

دانشکده سلامت و دین - دانشگاه علوم پزشکی قم
mmehrilighvan@gmsil.com

انواع الکل‌ها

الکل‌ها افزون بر صنعت، در پزشکی نیز کاربرد بسیار دارند و بارزترین گونه‌های الکل باوجود ترکیبات بسیار، دربرگیرنده متانول، اتانول و پراپرانول است و ماده اصلی اغلب الکل‌های صنعتی و طبی شامل اتانول است. الکل‌ها که در صنعت به کار گرفته می‌شود، از لحاظ ماهیت، هیچ تفاوتی با الکل طبی ندارد و هر دو همان الکل اتیلیک یا اتانول است. منتها به دلایلی، همانند گرفتن مالیات از نوشابه‌های الکل‌آشامیدنی و یا جلوگیری از سوءاستفاده از آن‌ها، کارخانه‌های تولیدکننده الکل، مواد سمی و بدبو کننده، مانند متانول یا عرق چوب و مواد رنگین‌کننده (همچون پریدین) به آن می‌افزایند. اتانول به دو روش طبیعی (تخمیر) و صنعتی تولید می‌شود. در روش طبیعی از تخمیر قندهای طبیعی و نشاسته مانند انگور، خرما، غلات و ملاس به دست می‌آید؛ ولی در روش صنعتی از منابع طبیعی مواد اولیه آلی شامل نفت، گاز طبیعی، زغال سنگ و توده‌های زیستی به دست می‌آید که هزینه فرآوری این روش، زیاد و پرخارج است (۱).

مصارف الکل

الکل در پزشکی، برای ساخت داروها به‌ویژه داروهای ضد سرفه و آرام‌بخش - خواب‌آور، حلال‌های دارویی، درمان مسمومیت شدید با متانول، ضدعفونی پوست، محافظت از رشد میکروبی در فرآورده‌های دارویی، ساخت روکش قرص‌ها، تهیه ضدعفونی‌کننده‌ها، ضدعفونی کردن ابزارهای طبی و محافظت قطعات تشریحی و بافت‌ها، تهیه فرآورده‌هایی همچون دهان‌شوی و موارد دیگری به کار می‌رود.

در صنعت، از الکل برای تهیه لاک، ورنی و رنگ‌های انیلین و دواجات استفاده می‌شود و در ساختن اودکلن‌ها و لوازم آرایشی نیز کاربرد فراوان دارد. این ماده در صنعت، به‌گونه‌ای گسترده به عنوان حلال برای ساختن لاک، براق‌کننده‌ها، عطرها و اسانس‌ها به کار می‌رود؛ همچنین از این ترکیب به‌عنوان محیطی برای

انجام واکنش‌های شیمیایی و همچنین به‌عنوان یک ماده خام بسیار بارز در سنتز ترکیب‌های دیگر به کار می‌رود (۱).

احکام مرتبط با الکل طبی و صنعتی

در رساله‌های موجود و فتاوی فقیهان زمان حاضر، الکل صنعتی از الکل طبی جدا و حکم جداگانه‌ای برای آن بیان شده است؛ درحالی‌که با شرحی که داده شد، الکل صنعتی همان الکل اتیلیک با یکسری افزودنی‌ها است. الکل طبی به دلیل آن‌که همان جوهر شراب و ماده اصلی خمر است، می‌تواند مصداق خمر قرار بگیرد؛ به دیگر سخن، آب مایه همان شراب اصطلاحی شرعی است. برخی از فقها قائل به پاک بودن و برخی قائل به نجس بودن الکل تخمیری هستند. درباره سکرآور بودن هم آنچه به نظر می‌آید، این است که این آب مایه، به‌خودی‌خود، در رده مستی‌آورها جای نخواهد گرفت؛ ولی همان‌گونه که پیش‌ازاین گفته شد، این آب مایه به سبب پرمایگی الکل در آن، ماده‌ای سمی و ناآشامیدنی است. نوشیدن این آب مایه، به‌گونه خالص، سبب سوزش و از میان رفتن مخاط دهان خواهد شد؛ ازاین‌روی این آب مایه را در رده ماده‌های سمی طبقه‌بندی کرده‌اند و به هیچ‌روی، نمی‌تواند در شمار آب مایه‌های سکرآور باشد (۱). در این بخش از نوشتار، احکام و فتاوی برخی از مراجع عظام بیان می‌شود.

احکام طهارت و نجاست الکل طبی و صنعتی

پرسش: آیا الکل سفید و زرد نجس است؟
آیت‌الله بهجت رحمته‌الله: الکل مطلقاً مورد احتیاط در نجاست است، مگر به‌گونه‌ای که دست بیاید که از نخست مسموم‌کننده باشد نه مست‌کننده (۲).

پرسش: آیا الکل سفید به فرمول «C₂H₅OH» - که از چغندر یا کشمش یا انجیر یا خرما گرفته می‌شود - نجس است؟ (اگرچه این الکل مست‌کننده هم هست) و در صورت نجاست، در بیشتر آزمایشگاه‌های دانشگاهی، برای آموزش درسی از آن استفاده می‌شود که فرآورده واکنش شیمیایی آن، یک ماده دیگری



همانند اسید و... می‌شود، آیا فرآورده واکنش نجس است؟ و هم چنین در صنایع داروسازی از آن به‌عنوان یک حلال استفاده می‌شود، آیا دارو نجس است؟

آیت‌الله خامنه‌ای (الکلی) که مست‌کننده باشد نجس است و با هر چه آمیخته شود آن هم نجس است و اگر در ترکیبات، دگرگونی فراگیر، صورت گیرد به این که تمام ترکیبات مایع آن دگرگونی شود، نه فقط الکل، پاک می‌شود (۳).

پرسش: پرستار پس از تزریق آمپول، پنبه الکلی که تمام آن آغشته به الکل است روی جایگاه تزریق قرار می‌دهد، چنان چه از جایگاه تزریق خون بیرون آید، آیا از راه پنبه آغشته به الکل، دست پرستار نجس می‌شود؟

آیت‌الله بهجت (ع): اگر پنبه با خون نجس شده و الکل به دست سرایت کرده است، دست نجس می‌شود علی‌الظاهر و اگر پنبه با خون نجس نشود و تنها الکل به دست سرایت کند، دست نجس می‌شود علی‌الاحوط (۲).

پرسش: الکل سفید که برای تزریقات در درمانگاه‌ها و بیمارستان‌ها به کار می‌رود، پاک است یا خیر؟

آیت‌الله خامنه‌ای (الکلی) اگر معلوم نیست که در اصل از گونه‌های مایعات مست‌کننده باشد، محکوم به طهارت است. اگر از الکلی باشد که در اصل مایع نیست، هرچند مست‌کننده هم باشد، محکوم به طهارت است و نماز با لباسی که با این الکل برخورد کرده صحیح است و احتیاجی به تطهیر ندارد؛ ولی اگر از الکل مایع بالاصاله و بر حسب تشخیص اهل فن، مست‌کننده باشد، بنا بر احتیاط نجس است و نماز با بدن یا لباسی که با آن برخورد کرده، موقوف بر تطهیر است؛ لیکن استفاده از آن جهت ضد عفونی کردن ادوات پزشکی و مانند آن اشکال ندارد (۳).

پرسش: آیا استفاده از الکل سفید برای ضد عفونی کردن دست و ابزار پزشکی، مانند دماسنج و غیر آن برای استفاده از آن‌ها در کارهای پزشکی و درمان به دست پزشک یا گروه پزشکی جایز است؟ الکل سفید همان الکل پزشکی است که قابل نوشیدن هم هست، آیا نماز خواندن با لباسی که یک یا چند قطره از این الکل بر آن ریخته شده، جایز است؟

آیت‌الله خامنه‌ای (الکلی) اگر از الکلی باشد که در اصل مایع نیست، هرچند مست‌کننده هم باشد، محکوم به طهارت است و نماز با

لباسی که با این الکل برخورد کرده صحیح است و احتیاجی به تطهیر ندارد؛ ولی اگر از الکل مایع بالاصاله و بر حسب تشخیص اهل فن مست‌کننده باشد، بنا بر احتیاط نجس است و نماز با بدن یا لباسی که با آن برخورد کرده، موقوف بر تطهیر است؛ لیکن استفاده از آن جهت ضد عفونی کردن ادوات پزشکی و مانند آن اشکال ندارد (۳).

فتاویٰ برخی مراجع درباره طهارت یا نجاست الکل

آیت‌الله مکارم شیرازی (ع): الکل طبی و صنعتی که انسان نمی‌داند از ماده مست‌کننده مایع گرفته شده، پاک است (۴).

آیت‌الله سیستانی (ع): پاک است (۵).

آیت‌الله فاضل لنکرانی (ع): پاک است (۶).

آیت‌الله صافی گلپایگانی (ع): اگر در ترکیب آن، الکل مست‌کننده نجس وجود داشته باشد نجس است و اگر مشکوک باشد، محکوم به طهارت است (۷).

آیت‌الله تبریزی (ع): محکوم به طهارت است (۸).

آیت‌الله خمینی (ع): الکل صنعتی که برای رنگ کردن در و میز و صندلی به کار می‌رود، اگر انسان نداند از چیزی که مست‌کننده و روان است، درست کرده‌اند، پاک است. اگر معلوم نیست که الکل مست‌کننده و از چیز مایع به دست آمده، محکوم به طهارت است (۹).

آیت‌الله خوئی (ع): الکل صنعتی، تمام گونه‌هایش، پاک است (۲).

آیت‌الله اراکی (ع): الکل صنعتی و طبی پاک است (۲).

منابع:

۱. آذربادگان، حسین‌علی. مقاله بررسی علمی و فقهی الکل و فرآورده‌های آن، مجله فقه و اصول فقه، بهار و تابستان ۱۳۸۱.
۲. پورتال انهار <http://portal.anhar.ir>
۳. پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: <http://farsi.khamenei.ir>
۴. پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی: www.makarem.ir
۵. پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله‌العظمی سیستانی: www.sistani.org
۶. پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله‌العظمی لنکرانی: www.lankarani.com
۷. پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی: www.saafi.com
۸. پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله‌العظمی تبریزی: www.tabrizi.org
۹. پایگاه رسمی نشر اندیشه‌های بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران: <http://www.imam-khomeini.ir>

الکل طبی و صنعتی که انسان نمی‌داند از ماده مست‌کننده مایع گرفته شده، پاک است.

اخلاق سلامت

افشای راز تخریب اعتماد!

محسن رضایی آدریانی

گروه فلسفه و اخلاق سلامت، دانشکده سلامت و دین،

دانشگاه علوم پزشکی قم

mrezaie@muq.ac.ir

قال الامیر المؤمنین علی علیه السلام

«لَا تَتَّقُ بِمَنْ يَدِيْعُ سِرَّكَ»^۱

امام علی می فرمایند: «به کسی که راز تو را فاش می کند، اعتماد مکن»

بنابراین معاینه پزشک برای بیمار اطمینان بخش نبوده، ناچار به پزشک دیگری مراجعه می کند.

نکته مهم این است که رفتارها، اعتمادساز یا اعتمادسوز خواهند بود؛ هنگامی که در جایگاه معاینه مطب (به ویژه در برخی تخصص های حساس مانند زنان و مامایی) هم زمان بیش از یک بیمار (و هر بیمار دست کم با یک همراه) حضور دارد، راز بیمار را افشا کرده ایم. از دیدگاه شما چگونه این بیمار رازهای زندگی خود و وضعیت سلامت را در اختیار این پزشک بگذارد؟! آیا این پزشک قابل اعتماد خواهد بود؟

گویا غیر قابل اعتماد بودن افشا کننده رازها بدیهی است، ولی نکته بارز این است که همه ما به این هنجار آشکار پایبند و عامل باشیم. رعایت اصول و قواعد اخلاق سلامت، توجه و دقت همه ما را می طلبد. با رعایت رازداری، اعتماد جامعه به حرفه مقدس سلامت را حفظ نموده و آن را تحکیم و ارتقاء بخشیم.

پی نوشت:

۱. غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۴۵

همان گونه که آگاه هستید، قرار بر این بود که در هر جلسه درس، یک آیه یا یک حدیث شریف مرتبط با موضوع و مبحث کلاس اخلاق پزشکی و اخلاق حرفه ای دانشجویان رشته های علوم سلامت، بیان شود. از پنج شماره پیش، موضوع «مانند داری»، با استناد به آیات قرآن کریم و روایات شریفه، مطرح شد. در شماره های پیشین، با گواهی آیه ای از سوره یوسف و روایات شریفه، موضوع رازداری بحث شد.

اینک به یکی دیگر از فرمایشات گهربار اهل بیت علیهم السلام درباره این موضوع مهم، اشاره شده است. فرمایش مولای متقیان این است که افراد افشا کننده رازها، غیر قابل اعتماد هستند. شاید این فرمایش در نگاه نخست، بدیهی به نظر آید، ولی توجه و دقت در رعایت آن امری مهم است. در حوزه سلامت، باید بدانیم که اگر گیرنده خدمت به ما اعتماد نکند، روشن است که نمی توانیم به او خدمات پسندیده ارائه دهیم. پزشک معالج برای بیمار دارو نوشته است، ولی نتوانسته اعتماد او را جلب کند. شرح حال گرفتن ناکامل، معاینه ناقص، توضیح کم و ناکافی از وضعیت بیمار و برنامه درمانی او و ... بیمار را بی اعتماد می کند؛

با رعایت رازداری، اعتماد جامعه به حرفه مقدس سلامت را حفظ نموده و آن را تحکیم و ارتقاء بخشیم.





تحلیل اخلاق - حقوقه موارد

احمد مشکوری

گروه فلسفه و اخلاق سلامت، دانشکده سلامت و دین،

دانشگاه علوم پزشکی قم

a.mashkooori@gmail.com



شناسایی نمونه:

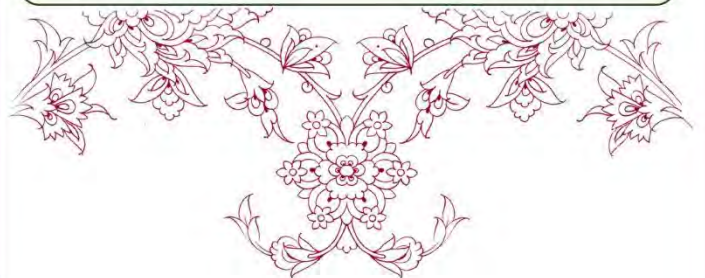
کودک دوساله‌ای به دلیل تب و کاهش سطح هوشیاری به بیمارستان کودکان آورده شده است. دستیار (رزیدنت) کودکان با شک به مننژیت، می‌خواهد بیمار را LP کند. او با پدر بیمار گفتگو می‌کند و پدر بیمار نیز به انجام LP رضایت می‌دهد. کودک به اتاق تزریقات منتقل می‌شود و دستیار کودکان از کارورز (اینترن) کودکان می‌خواهد که LP را انجام دهد. کارورز تاکنون LP نکرده و تنها دو بار در بخش اعصاب انجام LP را مشاهده کرده است. کارورز سرسوزن را بین دو مهره کمر کودک داخل می‌کند، ولی موفق به نمونه‌گیری نمی‌شود. پدر بیمار عصبانی می‌شود و به دستیار و کارورز پرخاش می‌کند که «بچه من موش آزمایشگاهی نیست» کارورز به او می‌گوید که «اینجا بیمارستان آموزشی است و هیچ متخصص کودکانی خودش LP نمی‌کند».

واکاوی نمونه:

مراجعه به بیمارستان آموزشی به معنی رضایت به هر اقدام آموزشی نیست. کارورز باید مهارت و تسلط کافی در انجام رویه‌های درمانی (procedure) گوناگون را در زمان تحصیل بیاموزد؛ ولی گام نخست آموزش، پس از مطالعه روش انجام رویه، تمرین بر مولاژ و مشاهده انجام رویه به دست افراد کارآموده است. پس از آن، انجام رویه درمانی باهدف آموزش، باید با دریافت رضایت بیمار یا تصمیم‌گیرنده جایگزین و نظارت مستقیم آموزش‌دهنده باشد؛ آن‌هم با توجه به اصل اخلاقی سودرسانی و زیان نرساندن. تمام کوشش تیم پزشکی باید بر این باشد که آموزش، با رعایت اخلاق حرفه‌ای صورت پذیرد، در غیر این صورت، آموزش منجر به بدآموزی فراگیران در عدم احترام به حقوق بیمار و عدم توجه به ایمنی و آسایش بیماران خواهد بود. آموزش رویه درمانی باید با اطمینان‌بخشی قبلی آموزش‌دهنده، به بیمار یا ولی بیمار باشد و بر این مسئله به صورت شفاف تأکید شود که «سلامت بیمار» بر «آموزش» اولویت دارد و اقدام آموزشی در حدی نخواهد بود که باعث آسیب بیمار شود. هرگونه بی‌قراری بیمار باید جدی گرفته شود و از آزار بیمار، به‌ویژه بیماران آسیب‌پذیر، اکیداً خودداری شود.

منابع:

اصغری، فریبا. تعهد حرفه‌ای پزشکی. تهران: بهداد، ۱۳۹۴، ص: ۷۵-۸۱.



علیت در پزشکی ۲

صادق یوسفی

مرکز تحقیقات سلامت معنوی، دانشگاه علوم پزشکی قم

syoosefee@muq.ac.ir

yoosefee@gmail.com

رابطه علت و معلولی بیشتر یک رابطه خطی ساده میان علت و معلول نیست. این رابطه اغلب پیچیده و چندوجهی بوده و کافی بودن و حتی لازم بودن علت بیماری، عموماً بخشی از آن است.

باز خوردی بسیار پیچیده تر باشند؛ به عنوان نمونه: C ممکن است از طریق A باعث تقویت یا مهار B شود. یک طبقه بندی ارزشمند از عوامل علی در سبب شناسی بیماری، به ویژه برای بیماری های چندعاملی نیز پیشنهاد شده است. دسته نخست، علت قابل اجتناب است. در یک رابطه علی، عوامل علی گوناگونی وجود دارد که دارای کارکرد بوده، می توان از آن ها جلوگیری یا نسبت به رفع آن ها اقدام کرد. اغلب بسیاری از این علل قابل اجتناب، نتیجه خطای انسانی است؛ به عنوان نمونه: اگر به بیمار مبتلا به مونوکلئوزی که همراه بزرگی طحال است توصیه شود که فعالیت بدنی سخت انجام ندهد و او به این توصیه توجه ننماید، پیامد آن می تواند پارگی طحال باشد. دسته دوم، علت غیر قابل انکار است. این نوع علت، اجتناب ناپذیر بوده و معمولاً پیامد یک فرآیند پاتوفیزیولوژیک است. در نمونه بالا، بزرگی طحال ناشی از مونوکلئوز، اغلب با توجه به وضعیت پزشکی کنونی اجتناب ناپذیر است. دسته آخر، علت مستعد کننده است. این نوع علت دربرگیرنده مواردی از کاندیداهای بالقوه و واقعی برای اقدامات درمانی یا پیشگیری کننده است. عواملی که با مداخله، می توان از آن ها جلوگیری نمود یا از بین برد، عواملی که باعث به آسیب انداختن بیمار می شوند و هدف مورد نظر اقدامات پزشکی هستند؛ به عنوان نمونه استراحت در بستر، یک علت رهایی از مونوکلئوز است. این دسته از علل، به پزشک با رویکرد زیست پزشکی کمک می کند تا اثرات متقابل در ایجاد بیماری های چندعاملی را تجزیه و تحلیل کند. در شماره آینده این بحث ادامه خواهد یافت.

منابع:

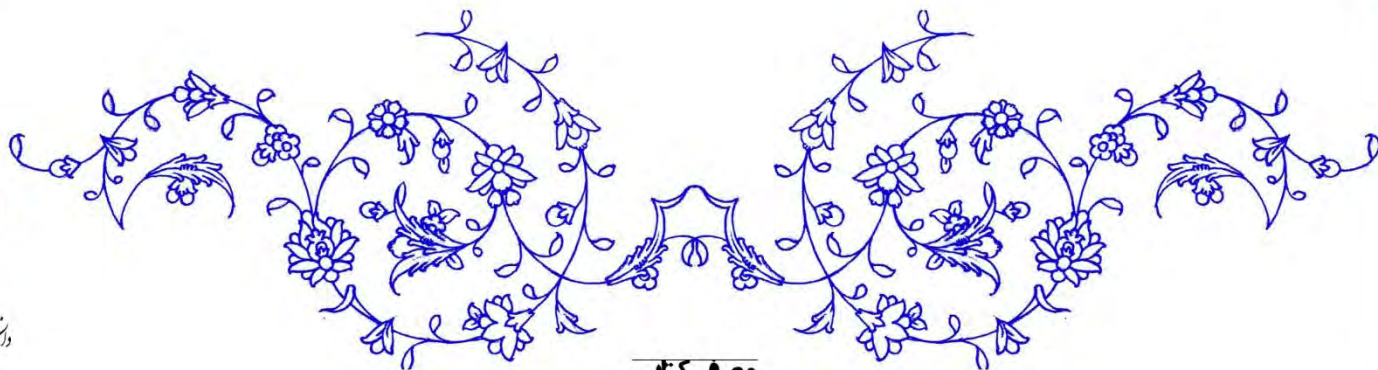
Marcum, J. A. (2008). Humanizing modern medicine: an introductory philosophy of medicine (Vol. 99). Netherlands: Springer.

در شماره پیشین، به مفهوم علیت از دیدگاه فیلسوفان معاصر اشاره ای شد. در این شماره، محث «علیت در پزشکی» آغاز می شود. شایان یادآوری است که این بحث، بیشتر در پارادایم زیست پزشکی صورت می پذیرد. برای ورود به بحث، بایستی اذعان داشت که بیشتر بیماری ها به دنبال علت واحدی رخ نمی دهند، بلکه علل بسیاری باعث آن ها می شوند؛ به عبارت دیگر تنها شماری از بیماری ها، ممکن است نتیجه یک علت کافی و لازم باشند. عده ای بر این باورند که بیشتر علل مورد توجه در حوزه سلامت، اجزای علل کافی هستند، ولی به خودی خود کافی نیستند؛ به عبارت دیگر صورت منظومه ای از علل، عامل بیماری است. رابطه علت و معلولی معمولاً یک رابطه خطی ساده میان علت و معلول نیست. این رابطه اغلب پیچیده و چندوجهی بوده و کافی بودن و حتی لازم بودن علت بیماری، عموماً بخشی از آن است؛ به عبارت دیگر ما هرگز یک شبکه علیت کامل نداریم. علل متعدد، چه کافی و چه لازم، می توانند درصدی از سبب شناسی یک بیماری را به خود اختصاص دهند؛ بنابراین علیت زیست پزشکی، به ندرت به طور قطع، تعیین کننده بوده و بیشتر محتمل است.

علیت در مدل زیست پزشکی به طور کلی به سازوکارهای فیزیکی-شیمیایی نسبت داده می شود. این سازوکارها از موجودات و نیروهای تشکیل شده اند که با گذشت زمان دگرگونی هایی را در موجودات ایجاد می کنند؛ به این ترتیب سازوکار از موجودات و نیروهای ساخته شده که با یکدیگر در برهم کنش هستند.

به منظور توضیح بیشتر به حروف و پیکان های پیش رو توجه شود: $(A \rightarrow B \rightarrow C)$ حروف نمایانگر موجودات و پیکان ها نماینده فعالیت هایی هستند که تداوم تغییر یا روند سازوکار را از آغاز تا پایان فراهم می کنند و سازوکار، آشکار شدن خطی یک رویداد پس از دیگری است. در این طرح A اغلب علت B است که به عنوان نتیجه در نظر گرفته می شود و پیکان نشانگر تغییر یا انتقالی است که به دنبال رابطه علی ایجاد می شود. افزون بر این، سازوکارها ممکن است با ساختارهای شاخه ای و حلقه های





معرفی کتاب

نقد و بررسی مکاتب اخلاقی

اختیار و گزینش آگاهانه در ارزش اخلاقی و بیان اصالت روح و مراتب طولی و عرضی آن، نقش نیت در تکامل نفس، توضیح انتزاعی مفاهیم اخلاقی و اخباری و دانستن حقیقت جمله اخلاقی، گزارش می‌دهد. در بخش نتیجه‌گیری هم عناصر بنیادین دیدگاه اخلاقی اسلام، معنای قرب به منزله کمال نهایی انسان و ویژگی‌های نظام اخلاقی اسلام بیان می‌شود.

معظمه گروهی چمن
دانشکده سلامت و دین



کتاب «نقد و بررسی مکاتب اخلاقی» توسط انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) (چاپ پنجم - سال ۱۳۹۴) و در ۳۶۵ صفحه به چاپ رسیده است. اخلاق و گزاره‌های وابسته به آن، همواره موردعنایت و توجه دانشمندان مسلمان علوم دینی و نیز دغدغه ذهنی فرهیختگان یک جامعه بوده است؛ چراکه با نگاه به تعریف و تحلیل اخلاق در هر جامعه، جهت‌گیری آن اجتماع آشکار می‌شود. بی‌گمان روشن است که نظام اخلاقی مکاتب گوناگون نیز به تناسب گرایش‌های فکری و نظام فلسفی آن‌ها متفاوت است. در اسلام نیز، اخلاق و مباحثی که پیوندی همیشگی با تزکیه و تهذیب دارند، از جایگاهی بلند و برجسته برخوردارند؛ از این‌رو، در این دوران تعامل و ارتباط، کاوش در نظام اخلاقی گرایش‌های گوناگون، تبیین و نمود بیش‌ازپیش حقانیت نظام اخلاقی و فکری اسلام را به‌طور کامل به همراه دارد. کتاب حاضر، نگارش مجموعه آموزه‌های آیت‌الله مصباح یزدی است که توسط احمدحسین شریفی سامان یافته است. این کتاب که در سه بخش و یک نتیجه‌گیری فراهم و گردآوری شده است، مکمل گفتگوهای مطرح‌شده در کتاب «فلسفه اخلاق» ایشان است. نگارنده ارجمند این کتاب، نخست به دسته‌بندی مکاتب و نظریات اخلاقی پرداخته و بر پایه آن، مطالعه خویش را آغاز نموده است. بخش‌های سه‌گانه این کتاب، شرح و توضیح مکاتب غیرواقع‌گرا، واقع‌گرای طبیعی و مکاتب واقع‌گرای مابعدالطبیعی است. با توجه به موضوعیت هر بخش، در هر فصل به تاریخچه پیدایش مکتب اخلاقی، اصول و مبانی آن و توضیح پایه و مفاهیم موردپذیرش صاحب‌نظر یا صاحب‌نظران آن مکتب، اشاره شده است. در ادامه، با نمایش مختصات کلی، آن مکتب را به آوردگاه بررسی و نقد فرامی‌خواند و ابعاد و نکته‌های قوت و ضعف آن را بیان می‌دارد که از جمله می‌توان به بررسی و نقد مکاتبی چون: احساس‌گرایی، توصیه‌گرایی، جامعه‌گرایی، قراردادگرایی، سودگرایی و... اشاره کرد. در پایان نیز در فصل مشروحی، دیدگاه اخلاقی اسلام را با اشاره به جایگاه عقل، تجربه و وحی در حکم اخلاقی، معیار ارزش‌گذاری افعال اخلاقی، نقش



زلزال سلامت

دریا و سراب

ما را رها کنید در این رنج بی حساب
با قلب پاره پاره و با سینه‌ای کباب
عمری گذشت در غم هجران روی دوست
مرغم درون آتش و ماهی برون آب
حالی، نشد نصیبم از این رنج و زندگی
پیری رسید غرق بطالت، پس از شباب
از درس و بحث مدرسه‌ام حاصلی نشد
کی می‌توان رسید به دریا از این سراب
هرچه فراگرفتم و هرچه ورق زدم
چیزی نبود غیر حجابی پس از حجاب
هان ای عزیز، فصل جوانی بهوش باش
در پیری، از تو هیچ نیاید به غیر خواب
این جاهلان که دعوی ارشاد می‌کنند
در خرقه‌شان به غیر "منم" تحفه‌ای میاب
ما عیب و نقص خویش و کمال و جمال غیر
پنهان نموده‌ایم، چو پیری پس خضاب
دم در نی‌آر و دفتر بیهوده پاره کن
تا کی کلام بیهوده گفتار ناصواب

امام خمینی ره